



تقریر درس خارج فقه فرهنگ حضرت استاد آیت الله محسن اراکی رحمته الله

مقرر	مرتضی اسدیان لایمی	جلسه	۰۳	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۷ / ۱۷
عنوان ۱	وظایف حاکمیت در عرصه فرهنگ اجتماعی				
عنوان ۲	نقش حاکمیت در تولید و تثبیت فرهنگ				
عنوان ۳	سیره انبیا و ائمه در مبارزه با فرهنگ های غلط				
عنوان ۴	جایگاه تکریم شخصیت ها در اسلام				
عنوان ۵	نظام مالی اسلام و نقش آن در تأمین نیازهای جامعه				
عنوان ۶	مقایسه رویکرد غرب و اسلام به فرهنگ سازی				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

حاکمیت نقش اصلی و مسئولیت مستقیم در تولید، ترویج و تثبیت فرهنگ صحیح در جامعه دارد. این مسئولیت دارای دو جنبه است: نخست، ایجاد و استوارسازی فرهنگ درست، و دوم، مبارزه جدی با فرهنگ های غلط و ریشه کن کردن آن ها. این رویکرد کاملاً با سیره انبیا و ائمه که به مبارزه فعال با عادات و سنت های نادرست اجتماعی می پرداختند، همسو است. حاکمیت موظف است با استفاده از ابزارهای در دسترس، هنجارها و ارزش های صحیح را در جامعه نهادینه کند. این شامل ترویج احترام به شخصیت های ارزشمند مانند علما و مجاهدان می شود، اما این به معنای ایجاد طبقه بندی اقتصادی نیست؛ چرا که در نظام مالی اسلامی، توزیع منابعی مانند بیت المال به تساوی انجام می شود. این وظیفه حاکمیت حتی در مقایسه با نظام غربی نیز مشروعیت دارد، چرا که غرب نیز سرمایه گذاری عظیمی در عرصه فرهنگ و رسانه انجام می دهد. بنابراین، این ادعا که حاکمیت نباید در فرهنگ دخالت کند، سخنی نادرست و برخلاف مبانی دینی و سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است.

وظایف حاکمیت در عرصه فرهنگ اجتماعی

بحث ما در باب وظایف حاکمیت و مسئولیت متقابل مردم در قبال آن، در عرصه فرهنگ اجتماعی و به طور خاص، در زمینه تولید و تثبیت این فرهنگ است.

نقش حاکمیت در تولید و تثبیت فرهنگ

پیش تر گفتیم که حاکمیت، نقش نخست را در تولید و تثبیت فرهنگ اجتماعی ایفا می کند و در برابر آن مسئول است. حاکمیت هم مسئولیت دارد که فرهنگ صحیح را ایجاد و منتشر نموده و در جامعه استوار سازد و هم موظف است که با فرهنگ غلط جامعه به مبارزه برخیزد. این سخن که حاکمیت نباید در حوزه فرهنگ دخالتی داشته باشد و فرهنگ را باید به حال خود رها کرد تا هرآنچه فرهنگ مردم است، همان حاکم باشد و همان نیز تقویت گردد، کلامی است که کاملاً با مبانی اسلام، مبانی شرع و سیره انبیا و سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در تناقض است.

سیره انبیا و ائمه در مبارزه با فرهنگ های غلط

سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و بسیاری از آیات قرآن اساساً در زمینه مبارزه با فرهنگ غلط وارد شده است. سوره احزاب، یکی از مهم ترین محورهای همین مسئله است؛ یعنی مبارزه با فرهنگ های نادرستی که در جامعه عرب جاهلی رواج داشت؛ از مسئله ظهار گرفته تا موضوع پسرخواندگی و عدم تزویج مرد با همسر پسرخوانده خویش که به ماجرای زینب بنت جحش در سوره احزاب انجامید و خداوند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد که پس از طلاق زید، با زینب ازدواج کند تا این سنت جاهلی برچیده شود.

نمونه دیگر، نامه هایی است که میان امام زین العابدین علیه السلام و عبدالملک مروان رد و بدل شده است. هنگامی که حضرت امام سجاد علیه السلام - بنا بر روایتی - با کنیز حضرت علی اکبر علیه السلام پس از شهادت ایشان ازدواج نمودند، این عمل برخلاف عرف جاهلی بود که فردی شریف با جایگاه اجتماعی والا، با یک کنیز ازدواج کند. شاید یکی از حکمت های اینکه بسیاری از ائمه ما با کنیزان ازدواج کردند و بسیاری از ایشان «اولاد الاماء» هستند، همین شکستن این سنت های غلط بوده است.

پس از این ماجرا، عبدالملک مروان نامه ای بسیار تند به حضرت امام سجاد علیه السلام نگاشت که تو مایه شرم ما و شرمندگی قریش و عرب شده ای. ما از قریش هستیم و تو از حسب و نسبی والا برخوردار؛ چرا چنین می کنی و با یک کنیز ازدواج می نمایی؟ حضرت در پاسخ نگاشتند که این گونه باورها به وسیله اسلام الغا شده است. اسلام این اعتبارات جاهلی را از میان برداشته و تأکید فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز دختر عمه خویش را به عقد مقداد اسود درآورد، درحالی که او از اشراف عرب به شمار نمی رفت و سیاه پوست بود.

به هر روی، یکی از مهم ترین برنامه های ادیان الهی و به ویژه دین اسلام، مبارزه با فرهنگ های غلط اجتماعی است. یعنی آن عادات، رسوم و فرهنگ های نادرستی که در میان جوامع رایج بود، باید با آن ها مبارزه می شد و فرهنگ صحیح جایگزین آن ها می گردید.

پرسشگر: اسم شخص را هم عوض می کردند؟

معظم له: بله، همین طور است. حضرت حتی نام افراد را نیز تغییر می دادند و می فرمودند: «این چه نامی است که داری؟» و نام او را عوض می کردند.

پرسشگر: این آیه سوره حجرات که می فرماید «...لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...»^۱ آیا به همین موضوع اشاره ندارد؟

معظم له: بخشی از این آیات مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. برای مثال آیه *﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾*^۱، بیان می دارد که پیامبر را با نام کوچک صدا نزنید، بلکه بگویید «یا رسول الله». در همین زمینه روایت قابل توجهی وجود دارد که وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد خانه حضرت زهرا علیها السلام شدند و شنیدند که ایشان می گویند «یا رسول الله»، فرمودند: «تو دیگر مرا این گونه خطاب نکن، بلکه بگو یا آبه (پدرم)». این «یا آبه» گفتن تو برای دل من دلنشین تر است.

جایگاه تکریم شخصیت ها در اسلام

البته بخشی از این دستورات، عمومی است و به این معناست که باید برای برخی عناوین و شخصیت ها در اسلام احترام ویژه ای قائل شد. ما شاید این بحث را بعداً مطرح کنیم که بله، در رفتارهای اجتماعی، خدای متعال تأکید دارد که *﴿...هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾*^۲ و *﴿...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ...﴾*^۳ و *﴿...لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... وَالْمُجَاهِدُونَ...﴾*^۴ و *﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...﴾*^۵. این ها وجود دارد؛ عالم احترام دارد و باید احترام ویژه ای برای او قائل شد. برای مجاهدان در راه خدا و برای مؤمن نسبت به غیرمؤمن نیز باید احترام ویژه قائل شد. بله، این از همان رفتارهای اجتماعی است و بحث ما نیز همین است که حاکمیت موظف است از طریق ابزارهایی که در اختیار دارد، این گونه هنجارها و معیارها را در جامعه جا بیندازد و ترویج کند.

پرسشگر: این امر طبقات اجتماعی به وجود می آورد، ولی نه به معنای اقتصادی آن.

معظم له: این طبقه بندی نیست؛ بلکه بحث ترویج «ارزش ها» در جامعه است. باید حرمت ارزش ها نگاه داشته شود. این طور نیست که چون طبقه عالم ارزشمند است، امتیاز اقتصادی خاصی داشته باشد. به آن ها این گونه امتیاز نمی دهند که مثلاً در تقسیم بیت المال، به عالم بیش از جاهل یا به مجاهد بیش از غیرمجاهد سهمی بدهند. خیر، آنجا بیت المال باید به تساوی تقسیم شود.

نظام مالی اسلام و نقش آن در تأمین نیازهای جامعه

ما پیش تر در بحث فقه اقتصادی این نکته را مطرح کردیم که دو مقوله متفاوت وجود دارد. یکی «بیت المال» است که پولی متعلق به همه مسلمین است و باید به تساوی میان همگان تقسیم شود؛ چه مجاهد و چه غیرمجاهد، چه زن و چه مرد، چه آزاد و چه برده.

۱. سوره نور: ۶۳.

۲. سوره زمر: ۹.

۳. سوره حدید: ۱۰.

۴. سوره نساء: ۹۵.

۵. سوره مجادله: ۱۱.

اما مطلب دیگری نیز وجود دارد و آن، «رفع نیاز نیازمندان» است که غیر از تقسیم بیت المال است. در این مورد، هرکس نیازش بیشتر است، باید سهم بیشتری دریافت کند. مسئله رفع نیاز یا به تعبیر دیگر، تقسیم «زکات»، با بیت المال متفاوت است. این اشتباه نباید رخ دهد. در پرداخت زکات، بله، به کسی که عائله بیشتری دارد، سهم بیشتری تعلق می گیرد.

پرسشگر: پس یارانه ها از این باب است، نه از باب بیت المال.

معظم له: بله، در وضع موجود این گونه است.

ما در نظام مالی اسلامی برای هر نوع هزینه ای، یک منبع مالی مشخص تعریف کرده ایم. زکات، منبع تأمین نیازهای اجتماعی و نیازمندان است. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ...»^۱. به تعبیر ما، زکات برای پر کردن حفره های اجتماعی است.

اما «خمس»، مصرف دیگری دارد؛ مصرف آن مدیریتی و برای اداره جامعه و کشور است؛ برای لشکر، تأمین نیروهای نظامی، تشکیلات دولت، دیپلماسی و اموری از این دست. در تعبیر ما، خمس از «مصارف الامام» است. مصارف امام از خمس تأمین می شود و مصارف مردم و نیازهای عمومی از زکات.

پرسشگر: مالیات چطور؟

معظم له: همین زکات و خمس است. اگر این دو را بر طبق موازین بگیرید و پول کشور را طلا و نقره (نقدین) قرار دهید، بخش عمده ای از نیازها تأمین می شود. یکی از حکمت های تعلق زکات به نقدین (طلا و نقره) همین است که بناست این دو، پول رایج مردم باشند. اگر این ها پول رایج شد و شما زکات را از نقدین، مواشی (چهارپایان) و غلات گرفتید، این منبعی می شود برای تأمین نیازهای عامه، از جمله خدمات عمومی. هرآنچه به عامه مردم بازمی گردد، از زکات تأمین می شود و مصارف دولت از خمس. این نظامی است که به نظر ما از منابع دینی استنباط می شود.

حالا اگر جایی زکات کم آمد، حاکم شرع (ولی امر) می تواند بر اجناس زکوی، موارد دیگری را اضافه کند. مثلاً بگوید امسال بر میوه هم زکات می گذارم. امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان جنگ، بر اسب های ماده نیز زکات جعل فرمودند. بنابراین حاکم می تواند بر شیلات یا منابع دیگر زکات وضع کند، اگر دید مقدار زکات جمع آوری شده از منابع اصلی، برای تأمین هزینه های مردم کفایت نمی کند. چرا نامش را مالیات می گذارید؟ بگویید زکات.

پرسشگر: چرا حوزه در این موارد اقدامی نمی کند؟

معظم له: مشکل از خود حوزه علمیه است. اول باید حوزه به این باور برسد. آخر چرا اشکال داشته باشد که ما پول را «نقدین» قرار دهیم؟ اگر پول شما طلا و نقره باشد، اسکناس شما نیز ارزشی ذاتی می یابد. می توانید در چاپ اسکناس، نخی از نقره یا طلا به کار ببرید و آن را با قیمت واقعی خودش در بازار عرضه کنید. در این صورت دیگر تحریم آمریکا، جنگ یا صلح، تأثیری بر ارزش پول شما نخواهد داشت؛ چون پول، ارزش خود را دارد.

ما یک وقت وضع موجود را تحلیل می کنیم و یک وقت از آن چه به عنوان یک «نظام» از شرع استنباط می شود سخن می گوئیم. ما اصل مالیات را نفی نمی کنیم، اما می گوئیم ابتدا نظام شرعی را پیاده کنید، هر جا کم آمد، تحت عنوان زکات (نه مالیات) آن را جبران کنید.

پرسشگر: چرا مردم خمس و زکات نمی دهند؟

معظم له: یکی از دلایل این است که درست متوجه نشده‌اند فایده خمس و زکات چیست. خیال می‌کنند این پولی که می‌دهند، صرفاً به دست عده‌ای از طلاب و آخوندها می‌رسد. اولاً باید بدانند که حفظ دین از مهم‌ترین امور است و اولین مصرف خمس، حفظ خود دین است که این امر، مصادیق زیادی دارد، از جمله تأمین نیاز کسانی که حافظان دین هستند. ثانیاً، مردم باید توجیه شوند. البته اگر روحانیت زیاد درباره خمس صحبت کند، ممکن است متهم شود که «یجرالنارالی قرصه» (آتش را به سمت نان خود می‌کشد). دیگران، حاکمان، صداوسیما و کسانی که رسانه در دست دارند، باید این مفاهیم را تبیین و ترویج کنند و برای مردم تفهیم نمایند که خمس و زکات یعنی چه.

مقایسه رویکرد غرب و اسلام به فرهنگ‌سازی

اجمالاً، مهم‌ترین وظیفه حاکمیت در قبال فرهنگ، «ایجاد فرهنگ درست» و «مبارزه برای ریشه‌کن ساختن فرهنگ غلط» است. این سخن که حاکمیت در قبال فرهنگ وظیفه‌ای ندارد، از نادرست‌ترین حرف‌هاست که حتی خود غربی‌ها نیز آن را قبول ندارند. آن‌ها بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها را در عرصه فرهنگ، رسانه و تولید فیلم انجام می‌دهند. در غرب چنان ترویج کرده‌اند که سرمایه‌داران بزرگ پس از مرگ، ثروت خود را برای امور فرهنگی وقف می‌کنند. من در یکی از دانشگاه‌های معروف انگلیس دیدم که با هزینه یک سرمایه‌دار متوفی که ۶ میلیارد پوند وقف کرده بود، در حال توسعه آن بودند. دانشگاه آکسفورد با درآمد موقوفات عظیم خود (چندین خیابان تجاری در لندن) تأمین می‌شود و پول هنگفتی را صرف تحقیقات می‌کند؛ تحقیقاتی درباره همه چیز، از جمله وجوه مختلف فرهنگ و جامعه ایران، از لهجه‌ها گرفته تا منابع طبیعی. آن‌ها این قدر برای مسئله فرهنگ اهتمام قائل‌اند، آنگاه ما اینجا می‌گوییم فرهنگ، وظیفه حاکم نیست. و صلی الله علی محمد و آله.

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی